

## تجزیه و تحلیل فقر شهری با تأکید بر شاخص‌های اجتماعی بین سال‌های ۱۳۸۵ و ۱۳۹۵

### مطالعه موردی: شهر اردبیل

پروین ده ده زاده سیلابی - دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه محقق اردبیلی، اردبیل، ایران

نرگس احمدی فرد<sup>۱</sup> - استادیار گروه معماری، دانشگاه ایوان کی، ایوان کی، ایران

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۷/۱۷

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۹/۳۰

#### چکیده

روند شهری شدن در کشورهای در حال توسعه با عدم تعادل‌های فضایی، قطبی شدن مناطق و گروه‌های اجتماعی، رشد بی‌قواره شهری و شکل‌گیری گستره‌های فقر در حوزه‌های شهری همراه شده است. فقر شهری افراد را با محدودیت‌های بسیاری از جمله دسترسی محدود به فرصت‌های شغلی - درآمدی، عدم بهره‌مندی از مسکن و خدمات مناسب، محیط‌های ناسالم و خشن، عدم بهره‌مندی از خدمات اجتماعی، سازوکارهای حمایتی بهداشتی و آموزشی، مواجه می‌سازد. تحلیل فضایی این گستره‌ها، میزان محرومیت نواحی مختلف را مشخص و اولویت اقدامات را برای ارتقای سطح زندگی معلوم می‌نماید. هدف پژوهش حاضر بررسی نابرابری‌های موجود و نشان دادن الگوی فقر در بلوک‌های شهری اردبیل با تأکید بر شاخص‌های اجتماعی طی سال‌های ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۵ است. روش پژوهش توصیفی-تحلیلی است. تحلیل فضایی فقر در سطح بلوک‌های شهری اردبیل با استفاده از ۲۱ شاخص اجتماعی و با بهره‌گیری از مدل‌های آمار فضایی، تحلیل لکه‌های داغ و خودهمبستگی فضایی در نرم‌افزار آرک جی‌آی‌اس انجام شده است. بر اساس نتایج پژوهش، بلوک‌های شهری اردبیل در هر دوره مورد مطالعه در طیف‌های متفاوتی قرار دارند؛ بخش‌های غربی و شمال غربی جز بلوک‌های فقیر، در مقابل شرایط ساکنین بخش‌های جنوبی و بخشی از شمال شرقی شهر به لحاظ اجتماعی بسیار مطلوب می‌باشند. همچنین پژوهش نشان داد که شاخص محاسبه موران برای سال ۱۳۸۵ برابر با ۰/۱۰۰۵۱۷ و برای سال ۱۳۹۵ برابر با ۰/۱۳۷۲۰۵ می‌باشد که این نشان‌دهنده خودهمبستگی فضایی داده‌های مورد نظر است. الگوی پراکنش فقر در شهر اردبیل از مدل خوشه‌ای تبعیت می‌کند که باعث ایجاد نظام دوقطبی بالاشهری و پایین‌شهری شده است.

**واژگان کلیدی:** فقر شهری، شاخص‌های اجتماعی، آمار فضایی، سیستم اطلاعات جغرافیایی، شهر اردبیل.

## مقدمه

از انقلاب صنعتی در اواخر قرن ۱۸ میلادی، جمعیت جهان با سرعت حیرت‌انگیزی افزایش یافته است (وو<sup>۱</sup> و همکاران، ۲۰۱۱). افزایش روزافزون جمعیت شهری در تمامی کشورها به‌ویژه کشورهای در حال توسعه، سبب رشد توأمان جمعیتی - کالبدی بسیاری از نقاط شهری شده (مارشال<sup>۲</sup> و همکاران، ۲۰۰۵: ۲۸۴) و تقاضای عظیمی نیز برای زیرساخت‌های اساسی و پایه به وجود آورده است (اسچوتن و ماتنگ<sup>۳</sup>، ۲۰۱۰: ۸۱۵). همچنین این میزان از افزایش جمعیت، باعث بروز مشکلات متعددی همچون نابرابری اجتماعی، توزیع نابرابر فرصت‌های شغلی و اختلاف طبقاتی، بدمسکنی و بی‌مسکنی گردیده و ضعف مدیریتی و ناتوانی دولت‌ها در کنترل این مسائل موجب شکل‌گیری و گسترش محلات فقیرنشین شهری شده است (گیلبرت<sup>۴</sup>، ۲۰۱۴: ۲۵۹؛ ویاری<sup>۵</sup> و همکاران، ۲۰۱۷: ۴۲۷). فقر از زوایای گوناگونی چون فلسفی، علمی، ادبی، هنری و دینی، بهداشتی، اجتماعی، اقتصادی و ... قابل بررسی و تأمل است (عنابستانی و علیزاده، ۱۳۹۷: ۲۲۴). این پدیده شوم چهره کریمه خود را در اختلاف طبقاتی افراد مختلف یک جامعه بخصوص در شهرها بیشتر نمایان می‌سازد (موزر و ایشیدا<sup>۶</sup>، ۲۰۰۶: ۶۷).

فقر در ادبیات توسعه به‌طور گسترده مورد بحث و بررسی قرار گرفته است (آلان و توماس<sup>۷</sup>، ۲۰۰۷: ۴۵؛ سن<sup>۸</sup>، ۱۹۸۵: ۱۴؛ هاسلم<sup>۹</sup> و همکاران، ۲۰۱۷: ۲۷). در مباحث موجود، فقدان فرصت‌ها، محرومیت یا کمبود ظرفیت‌ها و امکانات، عدم توسعه انسانی (برنامه توسعه سازمان ملل متحد<sup>۱۰</sup>، ۲۰۱۰: ۱)، درآمدهای پایین و نارسایی‌های اقتصادی، اشکال مختلف حاشیه‌نشینی و محرومیت اجتماعی، عدم دسترسی به خدمات و امکانات عمومی و اجتماعی، محرومیت از حکمرانی خوب و مشارکت فعال در تصمیمات و قرار گرفتن در معرض انواع آسیب‌ها از ویژگی‌های فقر و همچنین عوامل ایجادکننده آن ذکر گردیده‌اند (هاسلم و همکاران، ۲۰۱۷: ۳۱). در گذشته فقر با توجه به معیارهای اقتصادی اندازه‌گیری می‌گردید. از آغاز دهه ۱۹۸۰، مفهوم فقر گسترده‌تر گردید و نه تنها بعد اقتصادی، بلکه ابعاد اجتماعی و فرهنگی و دیگر جنبه‌های را نیز شامل شد (بورگوگنون و چاکراواریتی<sup>۱۱</sup>، ۲۰۰۳: ۲۶؛ لانگلیوز و کیچن<sup>۱۲</sup>، ۲۰۰۱: ۱۲۰؛ تاونسند<sup>۱۳</sup>، ۱۹۸۷: ۱۲۶). بنابراین فقر چندبعدی مطرح گردیده که علاوه بر بعد اقتصادی، شامل بهداشت، تحصیلات و استانداردهای زندگی می‌باشد (نوبل<sup>۱۴</sup> و همکاران، ۲۰۰۶: ۱۷۱). پیچیدگی و چندبعدی بودن این پدیده، از ابعاد مختلف و متعدد بودن عوامل ایجادکننده آن ناشی می‌شود. به همین دلیل، علوم مختلف انسانی و اجتماعی با رویکردهای گوناگونی به این پدیده نگریسته‌اند. از سوی اقتصاددانان جنبه‌ها و عوامل اقتصادی مؤثر بر فقر را مدنظر قرار می‌دهند. از سوی دیگر، جامعه‌شناسان عوامل اجتماعی و فرهنگی را در سطوح مختلف خرد، میانه و کلان بررسی می‌کنند (برنامه توسعه سازمان ملل متحد<sup>۱۵</sup>، ۲۰۱۹: ۱). بنابراین در تبیین نابرابری فضایی و فقر شهری نمی‌توان صرفاً به بعد اقتصادی آن توجه کرد؛ زیرا فقر شهروندی و فقر اجتماعی نیز به‌عنوان ابعاد دیگری از فقر هستند که در گسترش و شیوع انواع آسیب‌ها و انحرافات اجتماعی اهمیت اساسی دارند

- 
- 1 . Wu
  - 2 . Marshal
  - 3 . Schouten & Mathenge
  - 4 . Gilbert
  - 5 . Vearey
  - 6 . Moser & Ishida
  - 7 . Allen & Thomas
  - 8 . Sen
  - 9 . Haslam
  - 1 . UNDP 0
  - 1 . Bourguignon & Chakravarty
  - 1 . Langlois & Kitchen 2
  - 1 . Townsend 3
  - 1 . Noble 4

(کلانتری و همکاران، ۱۳۸۴:۳). سازمان ملل متحد نیز که در ابتدا بیشتر بر خطوط اقتصادی توسعه تأکید داشت، در دهه ۱۹۷۰ کانون توجه خود را به حذف فقر و توسعه اجتماعی معطوف داشت (قانونی‌راد، ۱۳۸۴:۲۲۵). فقر یک مسئله یا مشکل اجتماعی است که به صورت خوشه‌ای و شبکه‌ای وجود دارد. جامعه‌شناسان فقر اجتماعی را یکی از چهره‌های نامطلوب زندگی اجتماعی قلمداد کرده‌اند و آن را معیاری برای ارزیابی شکاف طبقاتی در جامعه‌ای مفروض دانسته‌اند (میری آشتیانی، ۱۳۹۰:۱۰۷). وبر و نظریه‌پردازان نوسازی معتقدند که ارزش‌های اجتماعی می‌تواند بر موفقیت اقتصادی و برون‌رفت فقر از وضعیت موجود اثرگذار باشد (انستیتو- ناسیونال، ۲۰۰۹). امروزه ضعف مطالعات فقر سنجی و رویکردهای فقر مینا در شهرها تقریباً بر همگان آشکار شده است (رن، ۲۰۱۱:۴). اما با وجود می‌توان به پژوهش‌هایی به شرح زیر اشاره نمود:

مهدنژاد و غلامی (۱۴۰۰) در پژوهش خود به پهنه‌بندی و تحلیل فضایی قطبش اجتماعی در سطح بلوک‌های آماری کلان‌شهر اصفهان می‌پردازند. بر اساس نتایج پژوهش ایشان بیشتر محله‌های کلان‌شهر اصفهان در حالت متوسط و نامطلوب قرار دارند و نوعی افتراق اجتماعی در این شهر از لحاظ فضایی رخساره نموده است. سلیمانی مقدم و همکاران (۱۴۰۰) در پژوهشی به پهنه‌بندی و تحلیل فضایی فقر شهری با استفاده از تحلیل‌های مکانی در شهر مشهد پرداخته‌اند. بر اساس نتایج پژوهش، ۳۳،۰۵ درصد از سطح شهر مشهد، وضعیت بسیار مناسبی را از لحاظ معیارهای مورد بررسی در راستای پهنه‌بندی فقر شهری دارا می‌باشند که شامل محدوده‌های فلسطین، سجاده، گوهرشاد، رازی، بهاران، ولیعصر، فارغ‌التحصیلان، حافظ، ایثارگران و ... می‌باشد. طبقه دوم (معادل ۱۸/۷۵ درصد) که نشانگر وضعیت مناسب می‌باشد شامل محدوده شاهد، الهیه، جانباز، تربیت، هنرور و ... است. طبقه سوم (معادل ۱۹/۲۸ درصد) دارای شرایط متوسطی می‌باشد و شامل محدوده‌های مختلف شهر از جمله راه‌آهن، طبرسی شمالی، وحدت، امیرآباد، کشاورز و موعود می‌باشد. طبقه چهارم (معادل ۸/۴۶ درصد) شرایط نامناسب را دارا است و محدوده آن شامل قسمت‌های سپس آباد، ایوان و بخش‌هایی از منطقه ۷ می‌باشد طبقه پنجم (معادل ۲۰/۴۳ درصد) که وضعیت بسیار نامناسب را شامل می‌شود، قسمت‌های جاهدشهر، ابوذر، رباط، انقلاب، بهارستان، پنجن آل عبا، شهید قربانی و مهدی‌آباد را دربرمی‌گیرد. یاراحمدی و نیک پور (۱۴۰۰) تغییرات فضایی فقر شهری در نورآباد ممسنی را بررسی کرده و نشان می‌دهند فقر در نورآباد ممسنی الگوی توزیع خوشه‌ای و خودهمبستگی فضایی دارد. همچنین بررسی روند تغییرات نشان می‌دهد، هم پهنه مرفه و هم پهنه فقیر در این شهر روند افزایشی داشته و در بین سال‌های ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۵ به تدریج ۲۸/۳۳۸ و ۳۷/۴۶ درصد افزایش در جمعیت و ۷۱/۱۸۷ و ۳۱/۱۶۶ درصد افزایش در مساحت داشته است، از سوی دیگر روند کاهش طبقه متوسط با ۹۱/۵۳ درصد کاهش در جمعیت و ۰۴/۴۲ درصد کاهش در مساحت نشان‌دهنده نابرابری فضایی و ایجاد شکاف طبقاتی عمیقی است که در ساختار فضایی شهر نورآباد ممسنی دیده می‌شود. ذکایی و رشیدی (۱۳۹۸) در تحقیق خود تحت عنوان سازه فقر شهری: تجربه مردم‌نگارانه اتوبیوگرافیک فقر در فضاهای شهری تهران، محله هرنندی را مورد بررسی قرار داده‌اند. یافته‌های تحقیق دال بر نظارت اجتماعی بسیار پایین، عدم احساس مالکیت بر فضا، کم‌رنگ بودن پیوندهای اجتماعی ساکنان محله با سایر اجتماعات شهر، فراهم بودن زمینه برای قانون‌گریزی و هنجارشکنی، شکل گرفتن قلمروهای نمادین توسط گروه‌های آسیب‌دیده، ضعف سیاست‌های حمایتی دولت در قبال اجتماعات ساکن محله، اجتماع ستیزی در بین برخی خرده گروه‌ها و میزان بالای طرد اجتماعی است. بر این اساس، درهم تنیدگی موارد یادشده با کالبد و فضاهای شهری آسیب‌زا در سطح محله، می‌طلبد سیاست‌گذاری اجتماعی به‌گونه‌ای باشد که به متن

1 .Instituto- Nacional

2 .Ren

حساس بوده و شرایط تمام گروه‌ها را در آن لحاظ نماید که این امر از طریق رویکردهای متکی به ملاحظات کمی و از بالا به پایین میسر نخواهد بود.

آلوش و بلوم<sup>۱</sup> (۲۰۲۲) در پژوهشی به بررسی رابطه بین رفاه روانی، خشونت و فقر پرداخته‌اند. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد بیشتر افراد فقیر آفریقای جنوبی در محلاتی که میزان خشونت در آن‌ها بالاست زندگی می‌کنند. همچنین با ادامه این روند میزان سکونت افراد فقیرنشین در این محلات گسترش پیدا خواهد کرد. ولدیریگی<sup>۲</sup> و همکاران (۲۰۲۱) در پژوهشی به تأثیر توسعه شهری بر فقر کشاورزان خرده شهری در حومه شهر تیگرای، اتیوپی شمالی پرداخته‌اند. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که میزان فقر در این منطقه ۵ درصد بیشتر از سایر مناطق شهر می‌باشد. همچنین درصد کلی آموزش، سلامت و ابعاد استاندارد زندگی در این منطقه به ترتیب ۱۵/۴، ۲۸/۸ و ۵۵/۸ درصد بوده است. بنابراین توسعه شهری در مناطق حاشیه‌ای و حومه‌ای مناسب نبوده است و فقر شهری در این مناطق بیشتر می‌باشد. فان و ایانگچو<sup>۳</sup> (۲۰۲۱) ضمن بررسی تجارب بین‌المللی به بررسی راهکارهای خروج از فقر می‌پردازند. ایشان در این پژوهش اذعان می‌دارند، قبل از اینکه کاهش فقر در مقیاس بزرگ از طریق توسعه‌بخشی و منطقه‌ای انجام شود، شبکه‌های ایمنی اجتماعی باید ایجاد شود تا کسانی را که از رشد و توسعه بهره‌ای نبرده‌اند تحت پوشش قرار گیرند. چراکه شبکه‌های ایمنی اجتماعی مولد در بسیاری از کشورها مقرون‌به‌صرفه هستند و وقتی بخش بزرگی از جمعیت روستایی به شهرها نقل‌مکان می‌کنند، فقر شهری نیز باید بخشی از طرح حمایتی باشد. پوکو بوآنسی<sup>۴</sup> و همکاران (۲۰۲۰) در پژوهشی به بررسی جغرافیای فقر شهری در شهر کوماسی غنا پرداخته‌اند. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که سطح تحصیلات و وضعیت اجتماعی-اقتصادی از عوامل تأثیرگذار بر توزیع فقر در شهر کوماسی می‌باشند. در این راستا، مداخلات مدیران شهری علاوه بر ارتقای زیرساخت‌های اجتماعی و فرصت‌های شغلی، بایستی نظارت بر تغییرات فضایی در توزیع و تمرکز فضایی فقر و جلوگیری از گسست اجتماعی شهر باشد. نیوه<sup>۵</sup> و همکاران (۲۰۲۰) در مطالعه‌ای به سنجش فقر شهری با استفاده از داده‌ها و منابع چندگانه در گوانگژو چین پرداخته‌اند. نتایج مطالعه نشان می‌دهد که ارزیابی فقر شهر در گوانگژو با استفاده از داده‌های مقیاس بزرگ و منابع متعدد باعث شناسایی همبستگی فضایی مثبت در سطح جامعه به‌منظور شناسایی افراد و پهنه‌های فقیر گردیده که به‌راحتی می‌توان با استفاده از اطلاعات، راه‌کارهایی را برای کاهش فقر در عرصه سیاست‌گذاری، تصمیم‌گیری و اجرا ارائه کرد.

با تکیه بر پیشینه تحقیق، می‌توان گفت شناخت و تحلیل واقع‌بینانه فقر در مناطق شهری نیازمند توجه بیشتر به ابعاد اجتماعی این مسئله است. زمانی که فقر تمرکز می‌یابد مسائل اجتماعی متمرکز می‌شوند، بنابراین افراد فقیر نه تنها از مشکلات و تنگدستی‌های مالی خودشان، بلکه از اثرات و تبعات منفی محیط خشن اجتماعی خود نیز رنج می‌برند؛ این محیط اجتماعی هم عامل و هم معلول فقر است. تا مدت‌ها شهرنشینی در کشور ما با سرعت فوق‌العاده‌ای در حال گسترش بود. دلیل این گرایش افراطی به شهر در ایران، این بود که شهرنشینی مساوی با برخورداری بیشتر از امکانات و فرصت‌های بیشتر و بهتر برای زندگی است. یک قانون ساده جامعه‌شناسی می‌گوید: هر نوع تغییر سریع و خارج از قاعده‌ای در جامعه انسانی می‌تواند موجب آشفتگی و نابسامانی (تئوری آنومی اجتماعی) گردد (گربر<sup>۶</sup> و همکاران، ۲۰۱۰: ۹). شهر اردبیل از این قاعده مستثنا نبوده است؛ به‌گونه‌ای که با تبدیل این شهر به مرکزیت استان و توزیع نامتعادل امکانات اشتغال در سطح استان باعث جذب مهاجرین به این شهر شده است (طرح جامع استان اردبیل، ۱۳۸۵). مجموع

- 1 . Alloush
- 2 . Weldearegay
- 3 . FAN & EunYoung CHO
- 4 . Poku-Boansi
- 5 . Niu
- 6 . Gerber

این عوامل به افزایش جمعیت این شهر منجر شده است. بررسی اطلاعات جمعیتی استان اردبیل نشان می‌دهد که در نظام شهری این استان، شهر اردبیل به‌عنوان نخست شهر بر کل نظام شهری تسلط دارد. در سرشماری ۱۳۸۵ مرکز آمار ایران و تقسیمات استانی، شهر اردبیل دارای ۴۱۸۲۶۲ نفر جمعیت و در سرشماری سال ۱۳۹۵ دارای ۵۲۹۳۷۴ نفر جمعیت بوده است (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۵-۱۳۸۵). هم‌زمان با این رشد سریع، فقر شهری نیز خود را در قالب پهنه‌های فقیرنشین در داخل و حاشیه شهر گسترش داده است. در این راستا برنامه‌ریزی برای بهبود وضعیت این پهنه‌ها نیازمند اتخاذ روش‌های علمی به‌ویژه در تعیین جغرافیایی پهنه‌های فقیرنشین از طریق کاربرد روش‌های آمار فضایی و تعریف شاخص‌های مناسب برای تعیین ابعاد متفاوت فقر شهری است. از آنجایی که در بیشتر موارد فقر شهری با رویکرد اقتصادی در کانون توجه بوده است و مطالعات اندکی به جنبه‌های اجتماعی موثر بر فقر شهری پرداخته است، لذا پژوهش حاضر با تأکید بر جنبه‌های اجتماعی موثر در این زمینه، به شناسایی گستره‌های فقر اجتماعی و الگوی گسترش آن در طی سال‌های ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۵ در شهر اردبیل پرداخته تا زمینه را برای سیاست‌گذاران، برنامه‌ریزان و مدیران شهری در تصمیم‌گیری‌های مربوط به کاهش مشکلات مرتبط با فقر و محرومیت اجتماعی در محلات شهری فراهم نماید. در این راستا پرسش اساسی که در این پژوهش مطرح است، این است که پراکنش فقر اجتماعی در بلوک‌های شهری اردبیل از چه الگویی تبعیت می‌کند؟

### مبانی نظری

فقر به صورت‌های گوناگون تعریف شده است و مفهوم آن در طی زمان و بر اثر تحولات اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی تغییر یافته است. فقر را می‌توان از جهات گوناگون تعریف و تقسیم‌بندی نمود؛ در تعریف تانسن بر فقدان منابع برای کسب انواع رژیم‌های غذایی، مشارکت در فعالیت‌ها و شرایط و امکانات معمول زندگی توجه شده است (تاوانسد، ۱۹۸۵: ۶۷۲). او سن فقر را به‌صورت محرومیت از قابلیت‌های اساسی در نظر گرفته و بر نسبی بودن مفهوم فقر در مکان‌ها و زمان‌های مختلف، تأکید می‌کند (سن، ۱۹۸۳<sup>۲</sup>: ۲۲۵). از نظر بانک توسعه آسیا، فقر محرومیت از دارایی‌ها و فرصت‌هایی است که هر فرد مستحق آن‌ها باشد. بتو روانتری، به فقر از منظر فقر مطلق و فقر نسبی توجه نموده و میان این دو تمایز قائل می‌شود. فقر مطلق به‌عنوان ناتوانی در کسب حداقل استاندارد زندگی و فقر نسبی به‌عنوان ناتوانی در کسب یک سطح معین از استانداردهای زندگی در جامعه فعلی تعریف شده است (ران تری، ۱۹۰۳<sup>۱</sup>).

سازمان ملل متحد فقر را از منظرهای متفاوتی مورد بررسی قرار داده است. رویکرد پولی از جمله رویکردهای متداول نگرش به مفهوم فقر است که بر اساس آن اگر فردی نتواند حداقل نیازهای زندگی را که به‌عنوان استاندارد مدنظر گرفته می‌شود به دست آورد و یا درآمد کافی برای پرداخت هزینه‌های آن را نداشته باشد، فقیر محسوب می‌شود. در رویکرد توانمندی افرادی که توانمندی آن‌ها کمتر از سطح استاندارد باشد، فقیر محسوب می‌شوند. در این رویکرد درآمد و توانمندی می‌توانند تأثیر متقابل بر هم داشته باشند. رویکرد مهم دیگر یعنی رویکرد اجتماعی است که در آن فقر یا محرومیت اجتماعی زمانی شکل می‌گیرد که افراد یا گروه‌هایی از یک جامعه قادر به مشارکت کامل در اجتماعی که در آن زندگی می‌کنند، نباشند و در نتیجه درآمد، توانایی‌ها و سایر مشخصه‌های اجتماعی این افراد به‌طور آشکارا از استانداردهای جامعه فاصله می‌گیرد و در نهایت در رویکرد مشارکتی است که ویژگی‌های فقیر و فقر از منظر خود افراد تعریف می‌شود. البته سطح برخورداری و مشارکت اجتماعی در این رویکرد بسیار موثر است (رشیدی و همکاران، ۱۳۹۲:

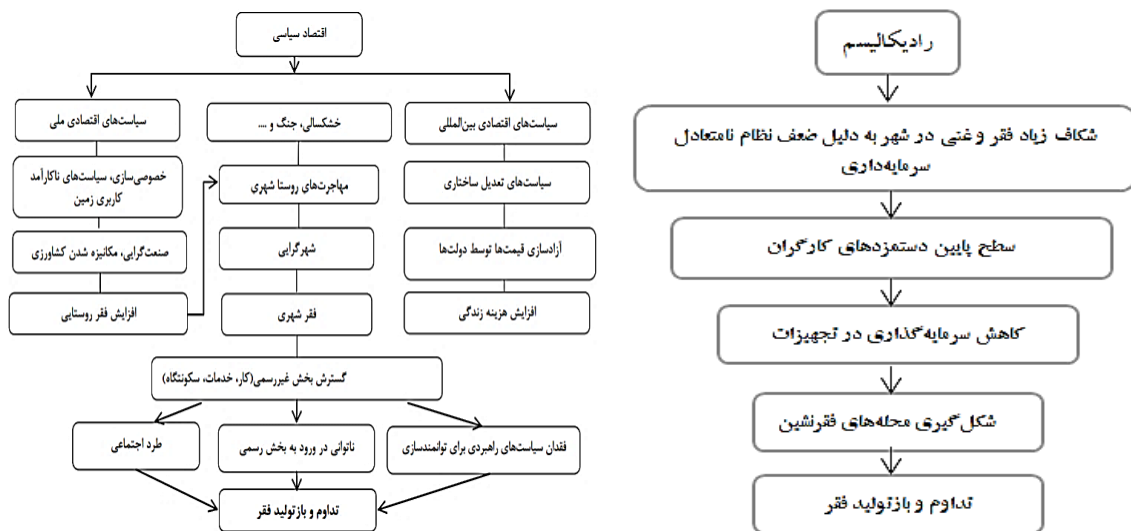
1 . Townsed  
2 . Sen  
3 . Rowntree

۱۳۶) (حسن‌زاده و میرزا ابراهیمی، ۱۳۸۶: ۸). اما فقر اگر در شهرها شکل گیرد دارای پدیده‌ای چندبعدی خواهد شد. به این معنا که افراد فقیر از محرومیت‌های گوناگونی از قبیل کمبود دسترسی به اشتغال، خدمات و مسکن کافی، حفاظت اجتماعی، نبود دسترسی به بهداشت، آموزش و امنیت و ایمنی شخصی رنج خواهند برد (بانک جهانی، ۲۰۰۲). بانک جهانی دلایل فقر اجتماعی در شهرها را در سطح پایین سواد و بالا بودن بعد خانوار که خود کاهش پس‌انداز و صرف هزینه هنگفت برای بهداشت، آموزش، مصرف غذایی و مسکن را به دنبال دارد، می‌داند (شریفی‌نیا و حاجیلویی، ۱۳۹۰: ۸۴-۶۷). شناخت و مقابله با فقر شهری در ابتدا نیازمند مطالعات دقیق در نظریات و دیدگاه‌ها در این زمینه خواهد بود. دیدگاه‌های متفاوتی همچون نظریه انتقادی شهر، کارکردگرایی، تعارض گرا، اکولوژی شهری، رادیکالیسم و اقتصاد سیاسی در بررسی فقر شهری مطرح می‌شوند. در راستای شکل‌گیری پهنه‌های فقیرنشین نظریات مختلفی ارائه شده است. اکولوژیست‌ها شکل‌گیری نواحی فقیرنشین را به پستی ژن ساکنان آن نواحی نسبت داده‌اند. نظریه‌پردازان این گروه معتقدند که حتی اگر گروه‌های مهاجر قومی و نژادی دیگری نیز در این محله‌ها ساکن شوند، باز این نواحی فقیر باقی خواهند ماند؛ بنابراین، مشکل این محله‌های فقیرنشین به نواحی خاص آن‌ها برمی‌گردد، نه به افرادی که در این نواحی ساکن‌اند (رن، ۲۰۱۲، ۴۱). اسکار لوئیس در دیدگاه فرهنگ فقر بیان می‌کند که فقدان فرصت اقتصادی، باعث به وجود آمدن معایب ساختاری می‌شود که به تغییراتی در فرهنگ اجتماع و شکل‌گیری فقر منجر می‌گردد (کیورلی، ۲۰۰۵، ۲۹). این تغییرات، واکنش‌هایی فرهنگی به دنبال دارد که از طریق وراثت و نسل، درونی می‌گردد و به آینده انتقال می‌یابد. نظریه انتقادی شهری سازمان اجتماعی شهرها، عقلانیت بروکراتی، روابط و واسطه‌های سیاسی و ایدئولوژیک را از عوامل تأثیرگذار بر گسترش فقر شهری ذکر می‌کند (برنر، ۲۰۰۴، ۵۵۶). اقتصاد سیاسی فضا، شکل‌گیری پهنه‌های فقیرنشین را در جهان سوم معلول مناسبات و روابط بین‌المللی و قدرت‌های مسلط جهانی از یک سو و ویژگی‌های ملی از دیگر سو می‌داند. این رویکرد متمرکز بر ارتباط متقابل بین سیاست و اقتصاد است. مفهوم اقتصاد سیاسی با تأکید بر نقش قدرت به‌ویژه قسمتی از قدرت که در تصمیم‌گیری‌های اقتصادی دخالت دارد، مشخص می‌شود (سمات و ال‌هاداری، ۲۰۱۲). در این دیدگاه، محققان شهری، به توزیع ثروت و قدرت در شهر توجه نموده و معتقدند که بهترین زمین‌های شهر و بیشترین دسترسی به خدمات شهری، متعلق به ثروتمندان است. به اعتقاد آن‌ها عوامل تعیین‌کننده ساختار شهر، تعقیب منافع مادی ثروتمندان و کنش سیاسی دولت است. نقطه مشترک تمام نظریه‌پردازان اقتصاد سیاسی این است که همه بر نقش کنش انسانی و به‌خصوص بر نقش سرآمدان اقتصادی و قدرتمندان سیاسی تأکید دارند. اقتصاد سیاسی تأکید دارد که تحلیل مسائل شهری مستلزم آن است که محقق، حوادث شهر را به تغییرات اقتصادی و سیاسی حادث در جهان مربوط کند و در چارچوب این تغییرات، به تحلیل شهر بپردازد. تعارض‌گرایان نیز با تأکید بر تضاد و تنازع گروه‌های مختلف بر سر قدرت، ثروت و منزلت، فرد را در کانون توجه خود قرار داده و هرکسی را مسئول اعمال خود می‌داند (داکلاس و آرار، ۲۰۰۶، ۲۹). دیدگاه رادیکالیسم، فقر را ناشی از شرایط ساختار اقتصاد سیاسی دانسته که در ارتباط‌های اجتماعی- سیاسی و اقتصادی عادی متبلور می‌شود. بر اساس این دیدگاه، مشارکت همگانی و حرکت برای آزادی و دموکراسی، رفاه و عدالت است که می‌تواند زمینه را برای به قدرت رسیدن دولت‌هایی با سوگیری توسعه همگانی و مهار ریشه‌ای فقر فراهم آورد (رئیس‌دانا، ۱۳۷۹: ۳۳). امروزه به خاطر معضلاتی مانند: فقر، بیماری، بیکاری و آلودگی‌های

- 1 . World Bank
- 2 . Ren
- 3 . Curley
- 4 . Berner
- 5 . Samat, N & Elhadary
- 6 . Duclos and Araar

شهرهای جهان سوم، بیشتر نظریات اجتماعی ارائه شده درباره شهرنشینی و شهرگرایی از رادیکالیسم تأثیر می‌پذیرد (شکوئی، ۱۳۷۳: ۴۲۲).

در پژوهش حاضر نظریه رادیکالیسم و اقتصاد سیاسی و فقر به‌عنوان راهنمای نظری این پژوهش انتخاب شده است و سعی نموده‌ایم که در شکل (۱) فرایند شکل‌گیری، تداوم و بازتولید فقر شهری از منظر رادیکالیسم و اقتصاد سیاسی را به تصویر بکشانیم:



شکل شماره ۱. فرایند شکل‌گیری، تداوم و بازتولید فقر شهری از منظر رادیکالیسم و اقتصاد سیاسی

مأخذ: شارع‌پور، ۱۳۹۱

در ایران پدیده فقر شهری کمتر به‌صورت مسئله مستقل نگریسته شده است. فقر در دهه‌ها گذشته بیشتر در حوزه‌های اقتصادی و بهداشتی مطرح شده است (نیک پور و همکاران، ۱۳۹۷: ۳۹۶) و کمتر در عرصه‌های اجتماعی و در حوزه‌های شهری مورد توجه بوده است. تحولات اجتماعی و اقتصادی، رشد سریع جمعیت و شهرنشینی شدن شتابان آن در دهه‌های اخیر در ایران، پدیده فقر شهری و نابرابری‌های اجتماعی و اختلاف شدید طبقاتی را به‌عنوان یکی از خصیصه‌های زندگی شهرهای جهان‌سومی بر زندگی شهری عارض نموده است. به‌طوری‌که مبارزه با آن به‌عنوان یکی از سیاست‌های کلان نظام برنامه‌ریزی کشور هم در برنامه‌های کوتاه‌مدت و هم استراتژی‌های درازمدت قلمداد می‌شود (همان). آنچه در مقوله فقر در حوزه مطالعات شهری اهمیت می‌یابد، تبلور فضایی فقر در شهرهاست. تبلور فضایی فقر را می‌توان در قالب شکل‌گیری و بسط گستره‌های فقر، بافت‌های فرسوده، بافت‌های ناکارآمد، اسکان غیررسمی و حاشیه‌نشینی با مشکلات حاد مهاجران فقر، بیکاری، اشتغال کاذب، بار تکفل بالا، خشونت و ناامنی و مواردی از این دست را مشاهده نمود.

## روش پژوهش

تحقیق حاضر از نظر هدف کاربردی است و از نظر ماهیت و روش تحقیق مورد استفاده از نوع روش‌های توصیفی - تحلیلی است. اطلاعات به‌صورت اسنادی و کتابخانه‌ای گردآوری شده‌اند. منبع استناد شاخص‌ها و کمیت‌های استفاده شده، داده‌ها و اطلاعات بلوک‌های آماری سرشماری عمومی نفوس و مسکن شهر اردبیل در طی سال‌های ۱۳۸۵-۱۳۹۵ و نقشه‌های جی‌آی‌اس، معاونت برنامه‌ریزی استانداری اردبیل می‌باشد. پژوهش ما بر روی بلوک‌های آماری شهر اردبیل طی دوره ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۵ صورت گرفته است. برای نشان دادن وضعیت فقر در این شهر از روش

خودهمبستگی فضایی و تحلیل لکه‌های داغ<sup>۱</sup> در نرم‌افزار آرک‌جی‌آی‌اس<sup>۲</sup> استفاده گردیده است. برای تحلیل الگوهای پراکنش فقر شهری نیز از آماره موران استفاده شده است. مقدار موران به وسیله رابطه زیر محاسبه می‌گردد (وانگ و فنگ، ۲۰۱۶: ۶۷):

$$I_i = n(X_i - \bar{X}) \sum_{j=1, j \neq i}^n W_{ij} (X_j - \bar{X}) \quad (1)$$

در رابطه فوق  $W_{ij}$  وزن فضایی بین عارضه  $i$  و  $j$  می‌باشد  $n$  تعداد کل عوارض جغرافیایی موجود در منطقه مورد مطالعه،  $X_i$  و  $X_j$  به ترتیب مقدار مشاهده شده متغیر مورد نظر در منطقه  $i$  و  $j$  است. مقدار ضریب خودهمبستگی فضایی باید بزرگ‌تر از ضریب مورد انتظار باشد تا الگوی پراکنش فضایی مورد قبول باشد. ضریب مورد انتظار موران توسط رابطه زیر به دست می‌آید.

$$E(I_i) = -W / (N - 1) \quad (2)$$

آزمون اهمیت موران توسط نمره  $Z$  اندازه‌گیری می‌شود تا از آن برای آزمون معنی‌داری آماری نتایج استفاده شود. نمره  $Z$  به عنوان مقدار استاندارد شده  $I$  در نظر گرفته می‌شود که توسط رابطه زیر به دست می‌آید (وانگ و فنگ، ۲۰۱۶: ۶۸):

$$Z_i = \frac{I - E(I)}{SD(I)} \quad (3)$$

$E(I)$  و  $SD(I)$  به ترتیب نشان‌دهنده انحراف معیار و میانگینی از  $I$  می‌باشند (دای و همکاران، ۲۰۱۰: ۲۳۰). در ادامه جهت کشف دقیق‌تر از توزیع فضایی لکه‌های داغ از آماره گتیس ارد جی<sup>۵</sup> استفاده شد. زمانی یک عارضه به عنوان لکه داغ تلقی می‌شود که هم خودش و هم عارضه‌هایی که در مجاور آن قرار دارند، مقادیر زیادی داشته باشند. آماره کتیس ارد جی به صورت زیر محاسبه می‌شود (جم‌مر و همکاران، ۲۰۰۵: ۴۰).

$$G_i^* = \frac{\sum_{j=1}^n W_{ij} X_j - \bar{X} \sum_{j=1}^n W_{ij}}{S \sqrt{\frac{n \sum_{j=1}^n W_{ij}^2 - \left( \sum_{j=1}^n W_{ij} \right)^2}{n-1}}} \quad (4)$$

در این فرمول  $X_j$  مقدار خصیصه برای عارضه  $j$ ،  $W_{ij}$  وزن فضایی بین عارضه  $i$  و  $j$  و  $n$  تعداد کل عارضه‌ها را نشان می‌دهد

- معرفی متغیرها و شاخص‌ها

برای سنجش فقر مانند اغلب مفاهیم دیگر نیاز به تعیین شاخص‌هایی است که هرکدام جنبه‌ای از موضوع را مورد ارزیابی قرار دهند. اصولاً باید در این ارزیابی‌ها، به شاخص‌هایی اولویت داده شوند که بر واقعیت اجتماعی موضوع منطبق و به سهولت قابل بررسی و اندازه‌گیری باشند. بنابراین در پژوهش حاضر با استفاده از ۲۱ شاخص اجتماعی به تحلیل و شناسایی فقر در محدوده مورد مطالعه پرداخته است. جدول شماره ۱ مؤلفه‌ها و شاخص‌های تحقیق را معرفی می‌نماید:

- 1 . Hot Spot Analysis
- 2 . ARC/GIS
- 3 . Wang & Fang
- 4 . Dai
- 5 . Getis-Ord- Gi
- 6 . Gemmer



## جدول شماره ۱. مؤلفه‌ها و شاخص‌های پژوهش

مؤلفه	شاخص‌ها
اجتماعی	تراکم جمعیتی، بعد خانوار، جمعیت معلول، مهاجرت، نسبت جمعیت لازم‌التعلیم، نسبت جمعیت لازم‌التعلیم
	نسبت مهاجرت مردان، نسبت مهاجرت زنان، نرخ مرد، نسبت جمعیت لازم‌التعلیم زن، نرخ باسوادی، نرخ
	اشتغال، نرخ اشتغال زنان، نرخ اشتغال مردان، نرخ باسوادی زنان، نرخ باسوادی مردان، نرخ بی‌سوادی، نرخ
	بیکاری، نرخ بیکاری مردان، نرخ بیکاری زنان، بی‌سوادی مردان، نرخ بی‌سوادی زنان

## بحث و یافته‌ها

برای بررسی نابرابری فضایی و تعیین گستره‌های فقر شهری در شهر اردبیل، از داده‌های بلوک‌های آماری سال ۱۳۸۵ و ۱۳۹۵ استفاده و در نرم‌افزار آرک جی‌آی‌اس با استفاده از قابلیت‌های آن، تحلیل لکه‌های داغ برای همه شاخص‌های مورد استفاده در پژوهش انجام شده است. این تحلیل آماره گتیس - ارد جی را برای همه عوارض موجود در داده‌ها محاسبه می‌کند. همچنین با توجه به امتیاز Z محاسبه شده می‌توان نشان داد که در کدام بلوک‌ها داده‌ها با مقادیر زیاد یا کم خوشه‌بندی شده‌اند. بر اساس این تحلیل هرچه امتیاز Z بزرگ‌تر باشد مقادیر بالا به میزان زیادی خوشه‌بندی شده و لکه داغ را تشکیل می‌دهد. در مورد Z منفی و معنادار از نظر آماری نیز باید گفت هر چه امتیاز Z کوچک‌تر باشد به معنی خوشه‌بندی شدیدتر مقادیر پایین بوده و نشانگر لکه‌های سرد هستند. در این مرحله تحلیل لکه‌های داغ برای هر کدام از زیر شاخص‌های پژوهش انجام شده است؛ میانگین داده‌های<sup>۱</sup> مورد استفاده این مرحله در جدول (۲ و ۳) نشان داده شده است.

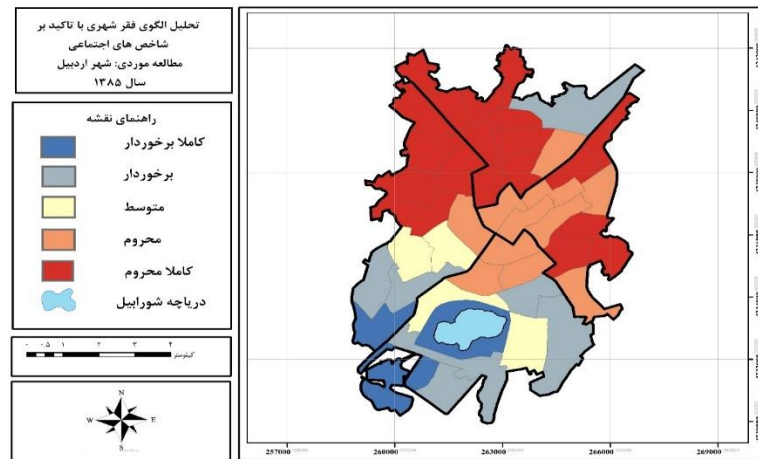
جدول شماره ۲. تعداد و درصد هر یک از سطوح نابرابری در بلوک‌های شهر اردبیل طی دوره ۱۳۸۵-۱۳۹۵

طبقات بلوک‌های شهری	سال ۱۳۸۵		سال ۱۳۹۵	
	تعداد	درصد	تعداد	درصد
خیلی محروم	۱۲۶۲	۳۳/۱۵	۱۴۱۱	۲۱/۴
محروم	۱۵۳۰	۲۹/۷۵	۱۷۰۰	۲۵/۳
متوسط	۱۳۲۲	۲۵/۷۰	۱۵۲۳	۲۳/۷
برخوردار	۹۲۰	۱۷/۸۹	۱۴۱۸	۲۱/۶
کاملاً برخوردار	۱۰۸	۲/۱	۸۳۰	۱۲/۳
جمع	۵۱۴۲	۱۰۰	۶۴۳۹	۱۰۰

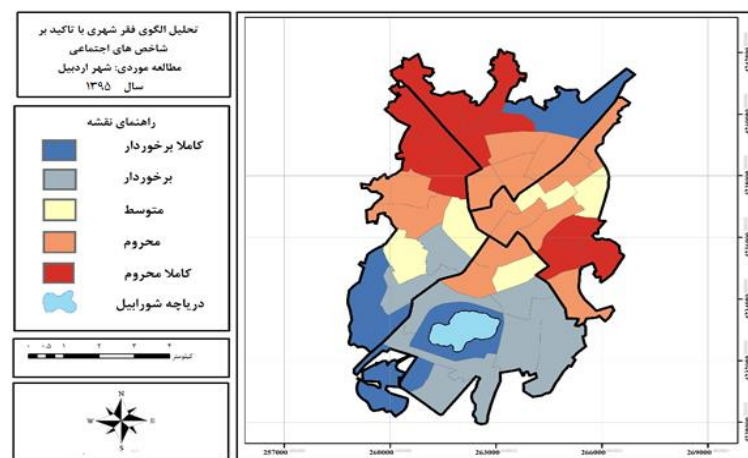
بر اساس اطلاعات جدول فوق، در سال ۱۳۸۵، از بین ۵۱۴۲ بلوک شهری در شهر اردبیل، حدود ۵۳ درصد در وضعیت خیلی محروم و محروم، ۲۶ درصد در وضعیت متوسط و حدود ۲۱ درصد در وضعیت برخوردار و کاملاً برخوردار قرار داشتند. بر اساس اطلاعات سال ۱۳۹۵ نیز این درصدها به ترتیب ۴۶، ۲۳، ۳۳ در بین ۶۴۳۹ بلوک شهری می‌باشد و این امر نیز نشان‌دهنده این می‌باشد که بلوک‌های شهری اردبیل از لحاظ شاخص‌های اجتماعی در سال ۱۳۹۵ نسبت به سال ۱۳۸۵ در وضعیت بهتری قرار دارند.

در این مرحله بعد از مشخص شدن نقاط سرد و داغ برای هر کدام از شاخص‌ها، به تلفیق نقشه‌ها پرداخته شده و در نهایت نقشه نهایی برای هر دو دوره ۱۳۸۵ و ۱۳۹۵ با توجه به شاخص موریس در ۵ سطح طبقه‌بندی شده است (شکل ۲ و ۳):

۱. با توجه به اینکه تعداد ۲۱ شاخص مورد نظر در دو دوره ۱۳۸۵ و ۱۳۹۵ مورد بررسی قرار گرفته است. در این قسمت به دلیل اجتناب از طولانی شدن گزارش، از ذکر ارقام مربوط به داده‌های خام خودداری شده و به ارائه میانگین این داده‌ها بسنده شده است.



شکل شماره ۲. وضعیت شاخص‌های اجتماعی مؤثر بر فقر شهری در بلوک‌های شهری اردبیل، ۱۳۸۵



شکل ۳: وضعیت شاخص‌های اجتماعی مؤثر بر فقر شهری در بلوک‌های شهری اردبیل، ۱۳۹۵

پراکنش فضایی شاخص‌هایی از قبیل تراکم جمعیتی، نسبت معلولیت، نرخ بیکاری، نرخ بی‌سوادی در هر دوره موردبررسی در شهر اردبیل نشان می‌دهد که اکثریت بلوک‌هایی با نسبت بالای میانگین در حوزه غربی و شمال غربی شهر واقع شده‌اند. در پراکنش فضایی بعد خانوار نیز بخش‌های شمال غربی و غربی شهر و محلات جداشده از شهر و قرارگرفته در آن‌سوی بزرگراه بسیج دارای بیشترین میزان خانوار با بعد خانوار بیش از میانگین می‌باشند که علت این موضوع را می‌توان در ریشه‌های روستایی این محلات جست‌وجو نمود. نواحی مرکزی شهر و پهنه‌های درون رینگ صفر شهر پایین‌ترین میزان بعد خانوار را دارند.

همان‌گونه که در مدل مفهومی و چارچوب نظری پژوهش عنوان شد، سیاست‌های اقتصاد ملی و به دنبال آن مهاجرت‌های روستا شهری، یکی از دلایل مهم شکل‌گیری و تداوم و بازتولید فقر شهری از منظر مکتب اقتصاد سیاسی می‌باشد (شارع پور، ۱۳۹۱). در محدوده مورد مطالعه نیز کارکرد نامناسب اقتصاد ملی در فراهم کردن امکانات به مهاجرت‌های گسترده از روستاهای اطراف به شهر اردبیل منجر شده و همین امر گسترش بخش غیررسمی هم در بخش کار، هم در بخش خدمات و هم در بخش مسکن را به دنبال داشته است و در نتیجه تمامی این موارد به دنبال خود باعث شکل‌گیری خوشه‌های فقر شهری در این نواحی شده است. به‌گونه‌ای که بسیاری از شاخص‌های اجتماعی مورد مطالعه

که تأثر منفی بر روند شکل‌گیری و گسترش فقر شهری دارند، در این نواحی به‌طور کاملاً محسوس‌ی بالاتر از سایر مناطق شهری اردبیل می‌باشد.

بر اساس نقشه‌های پراکنش نسبت مهاجرت، محلات پناه‌آباد، حسین‌آباد، سیدآباد، اروج‌آباد، مابلای، ملایوسف، مهرآباد، کلخوران، نیار، شهرک سبلان و شهرک توحید، پذیرای بیشترین نسبت مهاجرین بوده‌اند. باید توجه داشت که علاوه بر تعداد مهاجرین واردشده به محلات و نسبت آن‌ها به جمعیت محلات، نوع مهاجرین واردشده نیز حائز اهمیت فراوانی هست. پیمایش انجام‌گرفته در شهر حاکی از آن می‌باشد که اکثریت مهاجران در محلات دور از مرکز شهر را مهاجران روستاهای اطراف تشکیل می‌دهند که به دلایل متعددی به‌سوی شهر روانه شده‌اند و دارای پتانسیل اقتصادی بالایی نمی‌باشند، لذا مجبور به اسکان در نواحی بافاصله از مرکز شهر شده‌اند. به دلیل وجود زمین‌های ارزان و خدمات پایین‌شهری در این عرصه‌ها، اکثر مهاجرین شهرها و روستاهای اطراف که توان تملک مسکن در سایر بخش‌ها را نداشتند در این عرصه‌ها اسکان پیدا کرده‌اند و این امر باعث شکل‌گیری محلات فقیرنشین با ساختار اجتماعی نامنجم شده است. این مهاجرین عمدتاً در سال‌های پس از ۱۳۷۰ و جدا شدن اردبیل از آذربایجان شرقی به این محلات وارد شده‌اند، اما به سبب ضعف اقتصادی‌شان نتوانسته‌اند وارد چرخه اصلی اقتصادی شهر شوند. در این شرایط نیز بر مبنای مکتب اقتصاد سیاسی، فقدان سیاست‌های راهبردی برای توانمندسازی مهاجرین که اکنون حاشیه‌نشینان شهری اردبیل را تشکیل می‌دهند، به ناتوانی این مهاجرین در ورود به بخش رسمی و طرد اجتماعی آنان منجر شده و این امر نیز به تولید و بازتولید فقر شهری در اردبیل دامن زده است.

بر مبنای مکتب رادیکال، شکاف زیاد بین فقیر و غنی، سطح پایین دستمزدهای کارگران و کاهش سرمایه‌گذاری در تجهیزات باعث تولید و بازتولید و تداوم فقر می‌گردد (رئیس دانا، ۱۳۷۹: ۳۳). در شهر اردبیل نیز شکل‌گیری خوشه‌های فقیرنشین به‌طور بارزی بر مبنای نظریات این مکتب قابل توجه است. به‌گونه‌ای که همین شکاف بین غنی و فقر و کاهش سرمایه‌گذاری‌های مدیریت شهری در تجهیزات و تسهیلات محلات فقیرنشین باعث شکل‌گیری فضاهای دوقطبی در شهر اردبیل شده است.

از ویژگی‌های بارز محلات فقیرنشین اردبیل می‌توان به دسترسی نامناسب به خدمات تجاری، بهداشتی و درمانی، عدم تطابق افزایش جمعیت با نیازهای خدماتی و اکولوژیکی، کمبود شدید فضاهای باز و مناسب تفریحی، درصد بالای بی‌سوادی و تحصیلات پایین جمعیت، عدم مهارت و تخصص نیروی شاغل اشاره کرد.

پهنه‌های مرکزی شهر نیز از الگوی متفاوت‌تری پیروی می‌کند، علت قرارگیری این گستره در میان گستره‌های فقر شهری، تبعیت این بخش از پدیده زوال شهری است که در نتیجه فرسودگی بافت مرکزی، گسترش شهری، خروج ساکنان بومی و جانشینی آن‌ها با مهاجران غیربومی پدید آمده است. در مقابل این محلات، شرایط ساکنین بخش‌های جنوبی و بخشی از شمال شرقی شهر به لحاظ اجتماعی بسیار مطلوب ارزیابی می‌شود.

پس از طبقه‌بندی بلوک‌های شهری اردبیل در سال‌های ۱۳۸۵ و ۱۳۹۵، در این مرحله برای نشان دادن الگوی توزیع و پراکنش این نابرابری، از نرم‌افزار آرک‌جی‌آی‌اس و از ابزار خودهمبستگی فضایی استفاده شده است. ابزار آمار فضایی (خودهمبستگی فضایی) یکی از کاربردی‌ترین و مهم‌ترین ابزارهای تحلیلی برای تحقیق درباره داده‌های فضایی است که در زمینه تحلیل الگوهای پراکنش و توزیع عوارض و پدیده‌ها در فضا و مکان به‌کاررفته می‌رود و به آماره موران I معروف است. نتایج این تحلیل در دو نوع خروجی عددی و گرافیکی نشان می‌دهد که عوارض به‌صورت تصادفی، پراکنده یا خوشه‌ای در فضا توزیع شده‌اند. اگر مقدار شاخص موران نزدیک به عدد مثبت (+۱) باشد، داده‌ها خودهمبستگی فضایی دارند و الگوی پخش آن‌ها خوشه‌ای است و اگر مقدار موران نزدیک به عدد منفی (-۱) باشد، نگاه داده‌ها از هم‌گسسته‌اند و الگوی پخش آن‌ها پراکنده است. در مورد این ابزار فرضیه صفر آن است که هیچ

نوع خوشه‌بندی فضایی بین مقادیر خصیصه مرتبط با عوارض جغرافیایی مدنظر وجود ندارد (عسگری، ۱۳۹۰: ۶۶). در جدول (۳ و ۴)، نمایش عددی خودهمبستگی فضایی الگوی نابرابری سال ۱۳۸۵ و ۱۳۹۵ در شهر اردبیل نشان داده شده است:

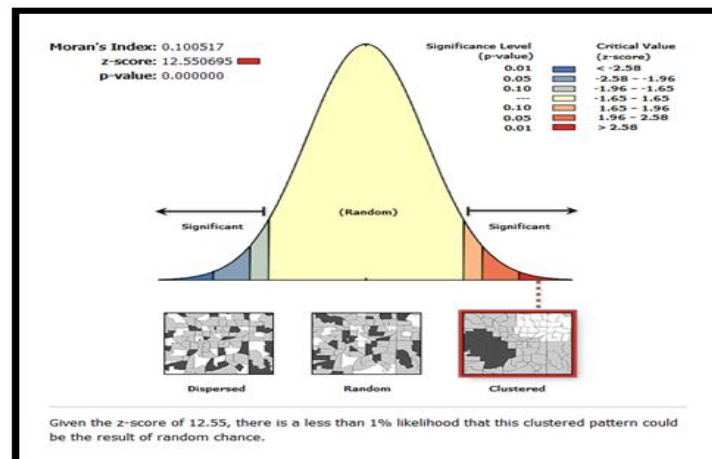
جدول شماره ۳. خروجی عددی تحلیل خودهمبستگی فضایی (آماره موران) برای الگوی فقر اجتماعی شهر اردبیل، ۱۳۸۵

شاخص موران	۰/۱۰۰۵۱۷
شاخص مورد انتظار	-۰/۰۰۰۶۰۳
واریانس	۰/۰۰۰۰۶۵
امتیاز Z	۱۲/۵۵۰۶۹۵
مقدار p	۰/۰۰۰۰۰۰

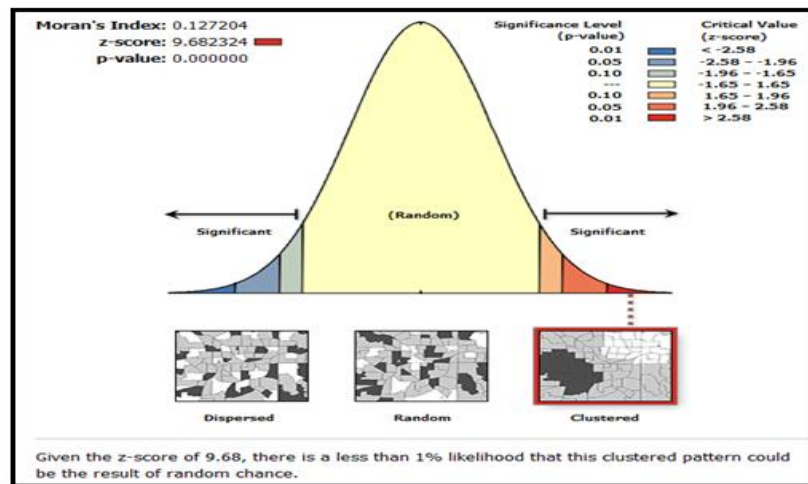
جدول شماره ۴. خروجی عددی تحلیل خودهمبستگی فضایی (آماره موران) برای الگوی فقر اجتماعی شهر اردبیل، ۱۳۹۵

شاخص موران	۰/۱۳۷۲۰۵
شاخص مورد انتظار	-۰/۰۰۰۶۰۴
واریانس	۰/۰۰۰۱۸۰
امتیاز Z	۱۰/۶۸۲۳۲۴
مقدار p	۰/۰۰۰۰۰۰

در این پژوهش شاخص موران محاسبه شده برای سال ۱۳۸۵ برابر با ۰/۱۰۰۵۱۷ و برای سال ۱۳۹۵ برابر با ۰/۱۳۷۲۰۵ می‌باشد. این مقادیر کوچک‌تر از یک است و از سوی دیگر مقدار پی برابر با صفر است. می‌توان نتیجه گرفت داده‌های موردنظر دارای خودهمبستگی فضایی هستند و چون مقدار موران مثبت و نزدیک به یک است، بنابراین الگوی فضایی فقر در شهر اردبیل هم در سال ۱۳۸۵ و هم در سال ۱۳۹۵ به صورت خوشه‌ای و متمرکز بوده است شکل (۴ و ۵)، نمایش گرافیکی این تحلیل‌ها را نشان می‌دهد:



شکل شماره ۴. نمایش گرافیکی تحلیل خودهمبستگی فضایی (آماره موران) برای الگوی فقر اجتماعی شهر اردبیل، ۱۳۸۵



شکل شماره ۵. نمایش گرافیکی تحلیل خودهمبستگی فضایی (آماره موران) برای الگوی فقر اجتماعی شهر اردبیل، ۱۳۹۵

به عبارت دیگر اگر میزان ضریب خودهمبستگی فضایی مثبت و عددی نزدیک به «۱» باشد، به معنی خوشه‌ای بودن توزیع فضایی عوارض مکانی است. اما فقط مثبت یا زیاد بودن میزان ضریب محاسبه شده دلیل بر خوشه‌ای بودن توزیع عوارض نیست و بایستی شرط دومی هم رعایت شود. این شرط دوم داشتن ارزش  $Z$  منفی زیاد در فرایند تعیین فضایی عوارض است، با توجه به اینکه ارزش  $Z$  محاسبه شده برای فقر اجتماعی در سطح شهر اردبیل در سال ۱۳۸۵ و سال ۱۳۹۵ به ترتیب، مقدار عددی مثبت و بزرگی دارد (۱۲/۵۵ و ۱۰/۶۸)، توزیع فضایی این شاخص با اطمینان بالای ۹۹ درصد از الگوی خوشه‌ای تبعیت می‌کند.

نتیجه حاصل از محاسبه ضریب خودهمبستگی فضایی فقر اجتماعی برای سال ۱۳۸۵ بیانگر توزیع خوشه‌ای این شاخص در سطح شهر اردبیل است. این مسئله بیانگر تمرکز فقر در بخشی از شهر است. ضریب خودهمبستگی فضایی آن برابر با ۰/۱۰۰ بوده است. شکل شماره (۴) نتایج محاسبات شاخص میانگین خودهمبستگی فضایی را نشان می‌دهد. نتیجه حاصل از محاسبه ضریب خودهمبستگی فضایی فقر اجتماعی برای سال ۱۳۹۵ نیز بیانگر توزیع خوشه‌ای این شاخص در سطح شهر اردبیل است که بیانگر تمرکز فقر در مناطقی از شهر نسبت به مناطق دیگر است. ضریب خودهمبستگی فضایی آن برابر با ۰/۱۲ بوده است. شکل شماره (۵) نتایج محاسبات شاخص میانگین خودهمبستگی فضایی را نشان می‌دهد.

همان‌طور که نتایج نمایش گرافیکی و نقشه‌ها نشان می‌دهد الگوی خوشه‌ای فقر و نابرابری فضایی شهر اردبیل، خوشه‌های محروم و خیلی محروم بیش‌تر در قسمت‌های شمالی، شمالی غربی و غرب قرار دارند و تمرکز این خوشه‌ها در این قسمت به‌طور عمده متأثر از پدیده خزش شهری و ادغام هسته‌های روستایی به کالبد شهر هست. این بافت‌های ادغام‌شده در کالبد شهر به دلیل شرایط حاکم بر شکل‌گیری آن‌ها چه به لحاظ کالبدی چه به لحاظ اقتصادی و چه به لحاظ اجتماعی دارای بافت آسیب‌پذیر و ناپایدار بوده و باعث شکل‌گیری قطب‌های دوگانه در سطح شهرها می‌شود.

### نتیجه‌گیری

اصولاً موفقیت هر برنامه‌ای در گروه شناخت درست از پدیده‌ای است که سعی در جهت برنامه‌ریزی آن داریم. به نظر می‌رسد که این شناخت در برنامه‌های فقرزدایی به‌درستی صورت نگرفته است. بنابراین بررسی وضعیت فقر در هر جامعه و آگاهی از آن، اولین قدم در برنامه‌ریزی برای مبارزه با فقر و محرومیت است. سنجش فقر به درکی از روند تحولات فقر منجر می‌شود و در طول زمان، تصویری منسجم از فقر ارائه می‌دهد؛ در نتیجه، برنامه‌ریزان می‌توانند تصمیمات

لازم را اتخاذ کنند و اقدامات لازم را انجام دهند. در بحبوحه این اقدامات نیز نزاع بین عین و ذهن یا به عبارتی امروزی‌تر، نگرش کمی و کیفی جهت به فرجام رسیدن کوشش‌های رفع فقر، بیش از هر چیزی نمایان است. در سال‌های اخیر این نزاع به نفع نگرش کیفی و تأکید بر شاخص‌های فرهنگی - اجتماعی، دگرگون شده است. به گونه‌ای که در ادبیات امروز به نقش شاخص‌های اجتماعی به‌عنوان تسهیل‌کننده و تسریع بخش توسعه و رفع فقر توجه بسیاری شده است. اما شناسایی عوامل فقر شهری کافی نیست؛ لذا تحلیل فضایی این شاخص‌ها، شناسایی بهتر مناطق با شرایط نامناسب را امکان‌پذیرتر می‌نماید. با مکان‌یابی این مناطق و اتخاذ تصمیمات و سیاست‌های آگاهانه، نابرابری در فضاهای شهری بهتر کاهش خواهد یافت. بنابراین آگاهی از وضعیت فقر در منطقه موردنظر نخستین قدم در مسیر برنامه‌ریزی برای مبارزه با این پدیده و پیامدهای ناشی از آن در محیط شهری می‌باشد. تعیین گستره فقر و مطالعات تطبیقی آن، جابه‌جایی فقر و تغییر و تحولات آن را در بستر زمان بیشتر مشخص می‌نماید و دولت‌های محلی هم بهتر می‌توانند مناطقی را که در وضعیت بدتری از لحاظ فقر هستند را مورد حمایت قرار دهند. از آنجایی که همیشه ارتباط معناداری بین وضع مسکن و فقر شهری وجود دارد، برنامه‌های بهسازی و نوسازی بافت‌های مسئله‌دار شهری باید نسبت به دیگر برنامه‌های کاهش فقر در اولویت ارگان‌های دولت محلی قرار گیرد. از این رو انجام این گونه پژوهش‌ها برای آگاهی از نوع پراکنش فقر شهری و سنجش تغییرات آن امری ضروری است.

در این راستا این پژوهش نشان می‌دهد که گسترش پدیده فقر خصوصاً در نواحی حاشیه‌ای شهر اردبیل، مهم‌ترین مشکل این شهر است که طی سال‌های اخیر با مهاجرت‌های روستایی و الحاق بافت‌های روستایی به محدوده این شهر و گسترش امر حاشیه‌نشینی، افزایش یافته است. با توجه به اینکه شناسایی و سنجش ابعاد معضلات به وجود آمده در بلوک‌های شهری اردبیل نه تنها ضرورتی برای کاهش فقر و نابرابری، بلکه ضرورتی برخاسته از ارزش‌های انسانی است، لذا در این پژوهش ۲۱ شاخص اجتماعی از اطلاعات بلوک‌های آماری سال ۱۳۸۵ و ۱۳۹۵، استخراج شده و با فراخوانی این شاخص‌ها به محیط آرک جی‌آی‌است، به بررسی وضعیت فقر و نابرابری در شهر اردبیل پرداخته شده است. بر اساس نتایج به دست آمده از بین ۵۱۴۲ بلوک شهری در شهر اردبیل در سال ۱۳۸۵، حدود ۵۳ درصد در وضعیت خیلی محروم و محروم، ۲۶ درصد در وضعیت متوسط و حدود ۲۱ درصد در وضعیت برخوردار و کاملاً برخوردار قرار داشتند. در سال ۱۳۹۵ نیز این درصدها به ترتیب ۴۶، ۳۳، ۲۳ در بین ۶۴۳۹ بلوک شهری می‌باشد و این امر نیز نشان‌دهنده این می‌باشد که بلوک‌های شهری اردبیل از لحاظ شاخص‌های اجتماعی در سال ۱۳۹۵ نسبت به سال ۱۳۸۵ در وضعیت بهتری قرار دارند.

بلوک‌هایی که در هر دو دوره به لحاظ شاخص‌های اجتماعی در وضعیت خیلی محروم می‌باشند بیشتر شامل بخش‌های حاشیه‌ای شهر به خصوص محلات و مناطق واقع در بخش‌های شمال غربی و غربی شهر مانند محلات سلمان‌آباد، میراشرف، پناه‌آباد، حسین‌آباد، اسلام‌آباد، سیدآباد و کاظم‌آباد و ... می‌شوند. بلوک‌های با وضعیت محروم نیز، تقریباً در تمامی مناطق ۴ گانه شهر اردبیل به چشم می‌خورند اما تمرکز این بلوک‌ها نسبتاً در بخش‌های شمال غربی و غربی شهر بیشتر است. نکته شایان توجه در بحث توزیع فضایی فقر در محدوده مورد مطالعه وضعیت نامناسب روستاهای الحاق شده به شهر می‌باشد که در حال حاضر با نام محلات شهری شناخته می‌شوند. ساکنین این مناطق از آنجایی که جز مهاجران روستایی هستند، در وضعیت نامناسب اجتماعی قرار دارند. این پهنه‌ها در هر دوره مورد مطالعه جز محلات آسیب‌پذیر اجتماعی به لحاظ فقر شناسایی شده‌اند. همچنین تحلیل خودهمبستگی فضایی موران، بیانگر پراکنش خوشه‌ای فقر اجتماعی در شهر اردبیل، در سال‌های ۱۳۸۵ و ۱۳۹۵ بود و این نوع پراکنش باعث ایجاد دوگانگی فضایی در این شهر شده است. در گروه این شناخت برنامه‌های فقرزدایی در شهر اردبیل با وجود مبتنی بودن بر سیاست‌های کلان و برنامه‌ریزی‌های فراگیر، باید به صورت محلی و منطقه‌ای هم اجرا شود. محلی و منطقه‌ای کردن برنامه‌های فقرزدایی در

منطقه مورد مطالعه منجر به انعطاف‌پذیری بیشتر برنامه‌ها در جهت هماهنگی با امکانات، استعدادها و نیازهای منطقه و محله‌ها خواهد شد. بنابراین ضروری است که در مناطق مختلف سطح شهر اردبیل برنامه‌های مختلف و همسو با آن مناطق توسط دولت مرکزی و دولت محلی به اجرا درآید.

## تقدیر و تشکر

بنا به اظهار نویسنده مسئول، این مقاله حامی مالی نداشته است.

## منابع

- ۱) حسن‌زاده، محمد و میرزا ابراهیمی، رضا. (۱۳۸۶). استراتژی کاهش فقر، تجربه کشورهای شرق آسیا، تهران: موسسه تحقیقاتی تدبیر اقتصاد.
- ۲) ذکایی، محمد سعید و رشیدی، جمال. (۱۳۹۸). سازه فقر شهری: تجربه مردم‌نگارانه اتوبیوگرافیک فقر در فضاهای شهری تهران نمونه موردی: محله هرنندی. برنامه‌ریزی رفاه توسعه اجتماعی، ۱۰ (۴۰)، ۶۳-۱۱۳.
- ۳) رشیدی، پیام و ناجی میدانی، علی‌اکبر. (۱۳۹۲). بررسی شاخص‌های فقر در مناطق شهری استان خراسان رضوی (۱۳۸۵-۱۳۹۱). فصلنامه اقتصاد و الگوسازی، ۴ (۱۴-۱۵)، ۱۳۳-۱۵۵.
- ۴) رئیس دانا، فریبرز. (۱۳۷۹). نقد روش در پدیده‌شناسی فقر، مجموعه مقالات فقر در ایران. تهران: انتشارات علوم بهزیستی و توان‌بخشی.
- ۵) سلیمانی مقدم، هادی؛ زندی، رحمان و اکبری، ابراهیم. (۱۴۰۰). پهنه‌بندی و تحلیل فضایی فقر شهری با استفاده از تحلیل‌های مکانی (مورد مطالعه: شهر مشهد). تحقیقات کاربردی علوم جغرافیایی، ۶۰ (۲۱)، ۲۳۹-۲۵۸.
- ۶) شارع‌پور، محمود. (۱۳۹۲). جامعه‌شناسی شهری. تهران: انتشارات سمت.
- ۷) شریفی‌نیا، زهرا و مهدوی حاجیلویی، مسعود. (۱۳۹۰). نقش فقر اجتماعی و اقتصاد روستایی بر تخریب محیط‌زیست، مطالعه موردی: مرتع ممیزی شده شورود بخش شیب آب شهرستان زابل. پژوهش‌های جغرافیای انسانی، ۷۶، ۸۴-۶۷.
- ۸) شکویی، حسین. (۱۳۷۳). دیدگاه‌های نو در جغرافیای شهری، تهران: انتشارات سمت.
- ۹) عسگری، علی. (۱۳۹۰). تحلیل‌های آمار فضایی با ArcGIS، چاپ اول، تهران: انتشارات سازمان فناوری اطلاعات و ارتباطات شهرداری تهران.
- ۱۰) عنابستانی، علی‌اکبر و علیزاده، لیدا. (۱۳۹۷). بررسی ارتباط بین فقر روستایی و میزان مراجعه به مراکز بهداشتی - درمانی، مطالعه موردی: شهرستان سبزوار. مجله جغرافیا و برنامه‌ریزی، ۲۳ (۶۷)، ۲۴۳-۲۲۳.
- ۱۱) قانع‌راد، محمدمین. (۱۳۸۴). رویکرد توسعه اجتماعی به برنامه فقرزدایی در ایران. فصلنامه رفاه اجتماعی، ۱۸، ۱۸-۱.
- ۱۲) کلانتری، صمد؛ ربانی، رسول و صداقت، کامران. (۱۳۸۴). ارتباط فقر با قانون‌گریزی و شکل‌گیری آسیب اجتماعی، فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی، ۵ (۱۸)، ۲۳-۱.
- ۱۳) مرکز آمار ایران، سرشماری عمومی نفوس و مسکن مرکز آمار ایران (۱۳۸۵-۱۳۹۵).
- ۱۴) مهدنژاد، حافظ و غلامی، علیرضا. (۱۴۰۰). تحلیل جغرافیایی قطبش اجتماعی در کلان‌شهر اصفهان. فصلنامه جغرافیا (فصلنامه علمی پژوهشی و بین‌المللی انجمن جغرافیایی ایران)، ۱۹، ۱۳۰-۱۱۵.
- ۱۵) میری آشتیانی، الهام. (۱۳۹۰). مقدمه‌ای بر آسیب‌شناسی مسائل اجتماعی در ایران. تهران: فرهنگ.
- ۱۶) نیک‌پور، عامر، رضازاده، مرتضی و الهقلى تبارنشلی، فاطمه. (۱۳۹۷). تحلیل الگوی فضایی شاخص‌های فقر شهری در بابل. مجله جغرافیا و برنامه‌ریزی، ۲۴ (۷۱)، ۴۱۸-۳۹۱.
- ۱۷) یاراحمدی، معصومه و نیک‌پور، عامر. (۱۴۰۰). تغییرات فضایی فقر شهری در نورآباد ممسنی. چشم‌انداز مطالعات شهری و روستایی، ۲ (۳)، ۷۴-۸۹.

- 18) Allen, T., & Thomas, A. (Eds.). (2000). *Poverty and Development into the 21st century*. London: UK Oxford University Press.
- 19) Alloush, M., & Bloem, J. (2022). Neighborhood violence, poverty, and psychological well-being. *Journal of Development Economics*, 154, 102756.
- 20) Berner, E. (2000). Poverty Alleviation and the Eviction of the Poorest: towards Urban Land Reform in the Philippines. *International Journal of Urban and Regional Research*, 24(3), 554–566.
- 21) Bourguignon, F., & Chakravarty, S. R. (2003) The measurement of multidimensional poverty. *Journal of Economic Inequality*, 1(1), 25–49.
- 22) Curley, A. (2005). Theories of urban poverty and implications for public housing policy. *J. Soc. & Soc. Welfare*.
- 23) Dai, X., Guo, Z., Zhang, L., & Li, D. (2010). Spatio-temporal exploratory analysis of urban surface temperature field in Shanghai, China. *Stoch Environ Res Risk Assess*, 24(2): 57- 247
- 24) Duclos, J. Y., & Araar, A. (2006). *Poverty and Equity: Measurement Policy and Estimation with DAD*. Springer, New York.
- 25) FAN, Sh., & EunYoung CHO, E. (2021) Paths out of poverty: International experience»*Journal of Integrative Agriculture*, 20(4), 857-867
- 26) Gemmer M, Becker S, Jiang T (2004) Observed monthly precipitation trends in China 1951–2002. *Theor Theor Appl Climatol*, 77(1):39-45.
- 27) Gerber, John J., & Macionis, Linda M. (2010). *Sociology (7th Canadian ed. ed.)*. Toronto: Pearson Canada.
- 28) Gilbert, A. (2014). *Environment studies*. Chapter 5:6 - Housing the Urban Poor in The companion to development studies, 257-262.
- 29) Haslam, P. A., Schafer, J., & Beaudet, P. (Eds.). (2017) *Introduction to international development: Approaches, actors, issues and practice*, New York: Oxford University Press.
- 30) Instituto, N. (2009). *Poverty And Its Measurement, The Presentation Of A Range Of Methods To Obtain Measures Of Poverty*.
- 31) Langlois, A., & Kitchen, P. (2001). Identifying and measuring dimensions of urban deprivation in Montreal: An analysis of the 1996 census data. *Urban Studies*, 38(1), 119–139.
- 32) Marshall J.D., McKone, T.E., Deakin, E. & Nazaroff, W.E. (2005). Inhalation of motor vehicle emissions: effects of urban population and land area. *Atmospheric Environment*, 39(2), 283-295.
- 33) Moser, G., & Ishida, T. (2001). *Economic growth and poverty reduction in Sub-Saharan Africa*. Available at: <https://www.imf.org/external/pubs/ft/wp/2001/wp01112.Pdf>.
- 34) Niu, T., Chen, Y., & Yuan, Y. (2020). Measuring urban poverty using multi-source data and a random forest algorithm: A case study in Guangzhou. *Sustainable Cities and Society*, 54, 1-12.
- 35) Noble, M., Wright, G., Smith, G., & Dibben, C. (2006). Measuring multiple deprivation at the small-area level. *Environment & Planning*, 38(1), 169–185.
- 36) Poku-Boansi, M., Amoako, C., Owusu-Ansah, J. K., & Brandful Cobbinah, P. (2020). The geography of urban poverty in Kumasi, Ghana. *Habitat International*, 103, 1-13.
- 37) Ren, C. (2011). *Modeling poverty dynamics in moderate-poverty neighborhoods: a multi-level approach*, Doctoral dissertation, The Ohio State University.
- 38) Ren, C. (2011). *Modeling poverty dynamics in moderate-poverty neighborhoods: a multi-level approach*. Doctoral dissertation, The Ohio State University.
- 39) Rowntree, B.S. (1901) *Poverty: A Study of Town Life*, Macmillan, London. Seventh Annual Report of the United States Commissioner of Labor.
- 40) Samat, N., & Elhadary, Y. A. E., (2012). Political economy and urban poverty in the developing countries: Lessons learned from Sudan and Malaysia. *Journal of geography and Geology*, 4(1). 227-235.
- 41) Schouten, M.A.C., & Mathenge, R.W. (2010). Communal sanitation alternatives for slums: a case study of Kibera, Kenya. *Journal of Physics and Chemistry of Earth*, 35(13-14), 815-822.
- 42) Sen, A. (1985). Well-being, agency and freedom: The dewey lectures 1984. *Journal of Philosophy*, 82(4), 169–221.
- 43) Sen, A. (1983). *Poor Relatively Speaking*. *Oxford Economic Papers*, 35, 153-169.
- 44) Townsend, P. (1985). *A Sociological Approach to the Measurement of Poverty: a Rejoinder to Professor AmartyaSen*. *Oxford Economic Papers*, 659-668.
- 45) Townsend, P. (1987). Deprivation. *Journal of Social Policy*, 16(2), 125–146.



- 46) UNDP and Oxford Poverty Initiative. (2019) Global multi-dimensional poverty index 2019, illuminating inequalities.
- 47) United Nations Development Programme (UNDP). (2010) Human development report 2010: The real wealth of nations: Pathways to human development. New York City: Palgrave Macmillan.
- 48) Vearey, J., Thomson, K., Sommers, T., & Sprague, C. (2017). Analysing local-level responses to migration and urban health in Hillbrow: the Johannesburg Migrant Health Forum. BMC public health, 17(3), 427.
- 49) Wang, Z.B., & Fang, C.L., (2016). Spatial-temporal characteristics and determinants of PM 2.5 in the Bohai Rim Urban Agglomeratio. Chemosphere, 148, 62- 148.
- 50) Weldearegay, S.K., Tefera, M.M., & Feleke, S.T. (2021). Impact of urban expansion to peri-urban smallholder farmers' poverty in Tigray. North Ethiopia. Heliyon, 7(6), 1-11.
- 51) World Bank. (2002). Poverty Reduction and the World Bank, Progress in Operationalizing the WDR2000/2001. Washington DC, World bank.
- 52) Wu, J.G., Jenerette, G.D., Buyantuyev, A., & Redman, C.L. (2011). Quantifying spatiotemporal patterns of urbanization: The case of the two fastest growing metropolitan regions in the United States. Ecological Complexity, 8, 1, 1-8.